



بررسی مبانی مسئولیت مدنی ناشی از خسارت‌های هسته‌ای در پرتو مسئولیت ناشی از اشیاء

عباس نیازی، علیرضا یزدانیان*، محمود جلالی

گروه حقوق، دانشکده‌ی علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، کدپستی: ۸۱۷۴۶۷۳۴۴، اصفهان - ایران

چکیده: در حقوق مسئولیت مدنی، مقصود از مبنای مسئولیت این است که چرا با ورود زیان، فاعل فعل زیان بار متعهد به جبران خسارت می‌شود. ثمره‌ی عملی بحث نیز در مورد اثبات تقصیر است که حسب تعیین مبنای، ممکن است اثبات تقصیر بر عهده‌ی زیان دیده قرار گیرد یا وی از اثبات تقصیر معاف شود. در خصوص مبنای مسئولیت مدنی در حقوق سنتی، به اتلاف بالمباشره و بالتسبیب و تئوری تقصیر به عنوان قاعده و مسئولیت مطلق به عنوان استثنای این قاعده اشاره شده است. البته امروزه مسئولیت مدنی تابع قاعده‌ی واحدی نیست. در خصوص خسارت ناشی از «ماده‌ی هسته‌ای» که شامل سوخت و محصولات پرتوزا و پسماندها و تأسیسات هسته‌ای می‌شود، مبانی مسئولیت مدنی متعددی، مانند «تئوری تقصیر» یا «نظریه‌ی «نفی ضرر» یا نظریه «استناد عرفی انجام فعل زیان بار به شخص مسئول» یا «مسئولیت در برابر منفعت» در حقوق قابل بررسی است. چنان که به نظر می‌رسد، مسئولیت بهره‌بردار انرژی هسته‌ای، بر مبنای «مالکیت و تسلط بر اداره و منفعت» از انرژی هسته‌ای است. چرا که انرژی هسته‌ای نوعی از اشیاء است و در حقوق و فقه نیز شناخت مسئولیت ناشی از اشیاء مسوق به سابقه است و در خصوص مبنای مسئولیت ناشی از زیان های هسته‌ای نیز «مسئولیت مدنی ناشی از اشیاء» به نحو محض قابل پذیرش است.

کلیدواژه‌ها: ماده‌ی هسته‌ای، سببیت، ضرر، استناد، بهره بردار.

Investigating the Civil Liability Principles Caused by Nuclear Damage in Respect of the Consequences of Objects

A. Niazi, A.R. Yazdanian*, M. Jalali

Department of Law, Faculty of Administrative and Economics, University of Isfahan, Postcode: 817467344, Isfahan-Iran

Abstract: In civil liability law, the concept of origin of liability come backs to the fact that why causer of damage has duty to compensate. The practical result of this study concerns to prove of fault which in terms of determine of origin of liability, in some time damage person has duty to prove fault of damager and in some time not. Regarding origin of civil liability in traditional law, theory of destruction, directly or in directly and theory of fault is regarded as general rule and absolute liability as exception. Of course at present time, civil liability is not subject to unique rule. Regarding damaged caused by "nuclear material", that include nuclea feul and substances and waste and nuclear facilities, several civil liability theories such as fault theory, or theory of no damage or theory of attribution of act of damage to responsible person or liability for benefit should be considered. It appear that the liability of nuclear operator is based on "ownership, management and benefit". Of nuclear energy. because nuclear energy is a kind of objects and familiar in law and Islamic jurisprudence. Regarding origin of liability for nuclear damage, theory of liability for objects is applicable.

Keywords: Nuclear Material, Causality, Loss, Citation, Exploitation



۱. مقدمه

برای رفع این کمبود، لازمه‌های الحاق به این کنوانسیون‌ها و یا تصویب قانون در این زمینه در حقوق ایران باید مورد بحث قرار گیرد. این مقاله در صدد است تا مبانی مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای را بیان کرده و یکسانی‌ها و اختلافات را بررسی کند. در این راستا، مسئله‌ی اساسی این است که آیا همان قواعد عام مسئولیت مدنی در این زمینه جاری است یا آن که پیچیدگی، شدت خسارات و اقتضائات خاص حوادث هسته‌ای قواعد ویژه‌ای را می‌طلبد. در این میان، مسئله‌ی «مبنای مسئولیت مدنی» یاد شده و مسئول جبران خسارت اهمیت ویژه‌ای دارند، زیرا، از دیرباز نظریه‌ی تقصیر به عنوان مبنای عام مسئولیت مدنی پذیرفته شده است اما این مبنا با شروع انقلاب صنعتی و با توجه به مشکلات اثبات تقصیر مسبب حادثه جای خود را به دیگر نظریات داد که در ادامه مطرح می‌شوند.

برخی از اشیاء به وسیله حواس عادی انسان محسوس نیستند. اشیائی مانند تشعشعات یا پارازیت‌وسایل مورد استفاده‌ی بشر و یا انرژی‌ها، مانند انرژی هسته‌ای یا الکتروسیسته ممکن است باعث ایجاد خسارت شوند. در صورت بروز خسارتی ناشی از این اشیاء، بهره‌بردار این اشیاء مسئول زیان خواهد بود^(۲). مسئولیت این نوع از اشیاء معمولاً تحت قوانین خاص و خارج از قوانین عام بررسی می‌شوند. تبیین مبنایی که با قواعد روز جهان هم سو باشد و در حقوق ایران مقبول باشد، می‌تواند باعث پذیرش الحاق کشورمان به کنوانسیون وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارات هسته‌ای نیز شود.

۲. مبانی در حقوق ایران

حقوق ایران در زمینه‌ی مسئولیت ناشی از حوادث هسته‌ای، مقررات ویژه‌ای ندارد و این مسئولیت، مبتنی بر قواعد عام مسئولیت مدنی است و در این خصوص می‌توان از قواعدی چون اتلاف، تسبیب، تقصیر و نفی ضرر یا مسئولیت مالک شیء یا بهره‌بردار یا منتفع از آن، استفاده کرد. همچنین بیان کرد که هر شخصی که حادثه مستند به او باشد، در جبران

وقوع حوادث هسته‌ای و وجود خطر بالقوه به کارگیری مواد پرتوزا، دولت‌ها و مجامع بین‌المللی را به سمت تدارک تمهیداتی به منظور تدوین قواعد و مقرراتی برای جبران خسارات حاصل از آنها، سوق داده است که نتیجه‌ی این امر، شکل‌گیری کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای و قوانین داخلی خاص است. این امر از آنجا سرچشمه گرفته است که حقوق مسئولیت مدنی سنتی، قواعد کاملی نداشته، و همین امر موجب نگرانی دولت‌ها و مجامع بین‌المللی شده است. بنابراین دولت‌ها در سطح داخلی، ضرورت تصویب قوانین ملی خاص را دریافتند و اقداماتی در تصویب قوانین متناسب انجام دادند [۱، ۲]. هم‌چنین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^(۱) کنوانسیون‌ها و پروتکل‌هایی در زمینه‌ی جبران خسارات ناشی از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای تدوین کرده است. کنوانسیون‌های مزبور سعی در ارائه‌ی راهکاری برای مسئله‌ی پیچیده و تعیین مسئول جبران خسارت کرده‌اند و با معرفی مبانی نظیر اصل مسئولیت محض و اصل کانالیزه کردن مسئولیت به سمت بهره‌بردار، امر شناسایی و تعقیب خواننده‌ی دعوای جبران خسارت هسته‌ای را آسان کرده‌اند. به موازات مقررات یاد شده، تدوین‌کنندگان کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای با تعیین اصل صلاحیت انحصاری دادگاه محل وقوع حادثه‌ی هسته‌ای و اعمال قاعده‌ی وحدت صلاحیت، و نیز معرفی قانون دادگاه صالح به عنوان قانون حاکم بر دعوای جبران خسارت هسته‌ای، نقش قابل توجهی در تسریع روند دادرسی این قسم دعوای ایفا کرده‌اند.

در حقوق ایران، شناسایی مبنای مسئولیت جبران خسارات هسته‌ای جز با توسل به قانون مسئولیت مدنی امکان پذیر نیست. اما به لحاظ نواقص قواعد مزبور، قانون‌گذار می‌تواند در مسیر تدوین قوانین خاص مسئولیت مدنی هسته‌ای یا عضویت در کنوانسیون‌های بین‌المللی گام بردارد.

متأسفانه کشور ما در هیچ کدام از این زمینه‌ها با وجود توسعه‌ی استفاده از انرژی هسته‌ای ورود نداشته است. بنابراین



خسارت می‌تواند سهمیم باشد، بنابراین باید مبانی قابل استفاده در خسارت‌های هسته‌ای و ایرادات هر یک بررسی شود.

۱.۲ نظریه‌ی تقصیر

در تعیین «مسئول»، قاعده‌ی کلی این است که شخصی که رفتار زیان‌باری انجام داده باشد، مسئول است و هر شخص مسئول افعال خویش است. بنابراین بدون وجود فعل زیان‌بار، اصولاً تعیین مسئول ممکن نیست. بر مبنای رفتار مذکور فعل زیان‌بار به اعتبار فاعل مستقیم به فعل شخص^(۳) و فعل غیر^(۴) و فعل شیء^(۵) قابل تقسیم است [۴، ۳]. به بیان دیگر، در حقوق مسئولیت مدنی نه تنها افعال اشخاص می‌تواند سبب مسئولیت شود، بلکه فعل اشیاء نیز می‌تواند باعث مسئولیت اشخاصی شود که این اشیاء را در اختیار دارند [۵]. در مورد فعل شیء، خسارت از فعل مستقیم حیوان و وضع خاص اشیاء (مانند تأسیسات هسته‌ای) تولید می‌شود اما در واقع، دارنده یا متصرف یا بهره‌بردار آنها مسئولیت را می‌پذیرد [۵، ۶].

هر چند در توجیه مسئولیت ناشی از اشیاء گفته شده است سعی در شناخت مبنای آن مباحثی را می‌گشاید که هیچ‌امیدی به نتیجه بخش بودن آن نیست [۷]. اما بر اساس مواد قانون مدنی، مبنای مسئولیت مالک یا محافظ اشیاء در حقوق ایران «تئوری تقصیر» است [۸، ۹]. که با استناد به این مبنای زیان ناشی از اشیاء فقط در صورت اثبات تقصیر مالک یا متصرف قابل مطالبه خواهد بود.

مشکلات اثبات تقصیر، باعث عدم طرح دعوی یا عدم موفقیت زیان‌دیده در دعوی جبران خسارت خواهد بود [۱۰]. بنابراین تحولات مسئولیت ناشی از فعل اشیاء، باعث شده است که مبنای خسارت ناشی از اشیاء، از نظریه‌ی تقصیر فاصله گیرد و با توسعه‌ی جبران زیان‌ها، از طریق استفاده از مبانی دیگر مسئولیت مدنی، مانند مسئولیت محض و مطلق استفاده شود. از این رو کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی هسته‌ای از اصول و مقررات خاصی در باب مسئولیت مدنی بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای برخوردارند به نحوی که هم

نسبت به بهره‌بردار خصوصی و هم نسبت به دولت (در فرضی که دولت تصدی تأسیسات هسته‌ای را بر عهده دارد) قابل اعمال بوده و با اصل «کانالیزه کردن مسئولیت به سوی بهره‌بردار»^(۶) وی را مسئول می‌شمارند [۱۱]. اما طرح این نظریه، مانع از بیان سایر نظریات مطروحه و انتقادات وارد به آن‌ها نیست.

۲.۲ نظریه‌ی مسئولیت بر مبنای مسئولیت بهره‌بردار

در این نظریه، مسئولیت بر عهده‌ی بهره‌بردار است. این نظریه، مشابه مسئولیت در برابر انتفاع است^(۷)، اما حالت خاص‌تر است و منظور از بهره‌بردار، شخصی است که مورد تصریح قانونی قرار گرفته است [۱۲]. طبق این نظریه، بهره‌بردار یک فعالیت، مسئول جبران خسارات است. بر مبنای این اصل، هر بهره‌بردار، و به عبارت دیگر متصدی بهره‌برداری از یک تأسیسات، در خصوص خساراتی که از این بهره‌برداری ناشی شده است و نیز نسبت به خسارات ناشی از ساختمان‌ها و تأسیسات و مواد حمل شده، مسئول جبران خسارات است. در تعریف بهره‌بردار بیان شده است «بهره‌بردار یک تأسیسات هسته‌ای به شخصی اطلاق می‌شود که توسط مقام عمومی صالح به عنوان بهره‌بردار آن تأسیسات تعیین یا شناسایی شده است»^(۸). مسئولیت بهره‌بردار را باید مسئولیتی محض دانست، زیرا هرچند قوه‌ی قاهره اصولاً رافع مسئولیت یادشده نیست، اما مواردی وجود دارد که با اثبات آنها، بهره‌بردار از مسئولیت معاف است و این یعنی مسئولیت، مطلق نیست [۱۳]. مزیت این نظریه در این است که در مواردی که خسارت گسترده‌ای به وجود آمده است، مانند خسارت‌های هسته‌ای، حقوق زیان‌دیدگان را تأمین می‌کند، به همین منظور، در کنوانسیون‌های مرتبط با انرژی هسته‌ای از این ضابطه استفاده شده است. این نظریه در بند ۶ ماده‌ی ۱ کنوانسیون پاریس ذکر، و از حقوق داخلی فرانسه^(۹) برگرفته شده است. این نظریه در حقوق ایران مسبوق به سابقه نیست، بنابراین ابتدا به آن مبانی



که می‌تواند در حقوق داخلی مدنظر قرار گیرد و سپس به نظریات مطروحه در حقوق تطبیقی خواهیم پرداخت.

۳.۲ نظریه‌ی مسئولیت بر مبنای مالکیت یا نگهداری از اشیاء
در این نظریه، مسئول، شخصی است که مالک شیء باشد یا در لحظه‌ی تحقق خسارت، نگهداری و مواظبت از شیء را بر عهده داشته است. در مورد مسئولیت ناشی از اشیاء به دو معیار اشاره شده است؛ معیار مالکیت بر شیء و معیار نگهداری و محافظت از شیء. معیار اول در تعیین مسئول در خسارات ناشی از اشیاء، مالکیت بر شیء است. مالکیت، رابطه‌ی اعتباری بین شیء معین و شخص در عالم اعتبار است. بر این مبنا، به صرف این که در عالم اعتبار، مالکیت یک شیء متعلق به شخصی باشد و از این شیء خسارتی وارد آید، می‌تواند مالک را مسئول جبران خسارت کند. چنین امری به معنی نفی رابطه‌ی سببیت نیست (ماده‌ی ۳۳۳ قانون مدنی ایران و ماده‌ی ۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه) [۱۶]. معیار دوم در تعیین مسئول در خسارات ناشی از اشیاء، نگهداری و مواظبت از شیء است (ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه). البته یافتن محافظ، در صورتی که مالک، شیء را در اختیار دیگری قرار داده است (مانند مستعیر یا مستودع) گاهی دشوار است.

۴.۲ قاعده‌ی لاضرر

ممکن است در استفاده از قاعده‌ی لاضرر در خصوص مسئولیت مدنی تردید شود. توضیح اینکه مفهوم قاعده‌ی لاضرر محل اختلاف فقیهان و به تبع آن حقوقدانان است. در این میان، نظر مشهور این است که قاعده‌ی یادشده، احکام ضرری را نفی می‌کند [۱۴]. همچنین صرفاً ناظر به نفی احکام وجودی است و اثبات حکم نمی‌کند. البته برخی فقیهان ضمن اینکه قسمت نخست حدیث (لاضرر) را نافی احکام ضرری دانسته‌اند، از قسمت دوم روایت (لاضرار)، تحریم اضرار و نیز تشریح وسایل اجرایی مناسب برای جلوگیری از زیان را قابل استنباط دانسته‌اند [۱۵]. اگر احکام

عدمی، داخل در قلمرو قاعده‌ی لاضرر فرض شود، عدم ضمان و مسئولیت در فرضی که شخص، حق دیگری را نقض کرده و به وی ضرر زده است، حکمی ضرری است که باید نفی شود. در نتیجه، نفی عدم ضمان، مساوی با ضمان و مسئولیت عامل زیان خواهد بود. با پذیرش این نظر می‌توان از قاعده‌ی لاضرر برای مسئول شناختن عاملان زیان‌های هسته‌ای بهره برد [۱۳].

۵.۲ مسئولیت در برابر منفعت

در این نظریه به جای تکیه بر فعل زیان‌بار، بر انتفاع به دست آمده تکیه شده است و بنابراین، مسئولیت مدنی ما به ازای منفعتی است که شخص برده است. ممکن است سؤال شود که نظریه‌ی مزبور چه تفاوتی با نظریه‌ی تضمین حق یا نظریه‌ی خطر دارد. بدیهی است که نمی‌توان منکر تشابه استدلال‌ها در همه‌ی این نظریه‌ها شد و گویا در همه‌ی آنها روح واحدی موج می‌زند که آن معاف کردن زیان‌دیده از اثبات تقصیر است. با وجود این، تفاوت نظریه‌ی مسئولیت در برابر انتفاع با دیگر نظریه‌ها در این است که محور اساسی در نظریه‌ی خطر، ایجاد محیط خطرناک و استفاده از ابزار خطرآفرین است. در حالی که نظریه‌ی مسئولیت در برابر انتفاع عیناً مانند نظریه‌ی خطر نیست و اتفاقاً برای تعدیل نظریه‌ی خطر مطرح شد و نشان می‌دهد که نظریه‌ی مسئولیت در برابر انتفاع با خطر یکسان نیست. هم‌چنین این نظریه با نظریه‌ی تضمین حق که به وسیله‌ی استارک ارائه شد یکسان نیست [۱۲]. زیرا در تضمین حق، حق زیان‌دیده در نظر گرفته می‌شود، اما در مسئولیت در برابر انتفاع، به مقدار نفعی که فاعل فعل زیان‌بار برده است توجه می‌شود.

بر مبنای این نظریه، مسئولیت در مقابل انتفاع است و در تعیین مسئول، کافی است تا شخص، منفعتی کسب کرده باشد (قاعده‌ی من له الغنم علیه الغرم). بر مبنای این نظریه می‌توان گفت که در تعیین مسئول جبران خسارت باید دید کدام شخص نفع برده است. مسئولیت مدنی، تاوان قدرت بهره‌مندی



به موازات موارد فوق باید به کنوانسیون مسئولیت مدنی در زمینه‌ی حمل و نقل دریایی مواد هسته‌ای مصوب ۱۹۷۱^(۱۲) و کنوانسیون مسئولیت مدنی بهره‌برداران کشتی‌های اتمی مصوب ۱۹۶۲^(۱۳) اشاره کرد که از آنها با عنوان مهمترین منابع بین‌المللی مسئولیت مدنی هسته‌ای یاد می‌شود.

نخستین قانون ملی در خصوص جبران خسارات هسته‌ای، در سال ۱۹۵۷ در ایالات متحده‌ی آمریکا تحت عنوان قانون پرایس-اندرسون^(۱۴) به تصویب رسید. قانون مذکور با معرفی قواعدی نظیر محدودیت میزان مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات اتمی، اجباری کردن بیمه‌ی مسئولیت وی، و الزام دولت به تدارک زیان‌های هسته‌ای در صورت عدم کفایت پوشش بیمه، نه تنها مبنای وضع قوانین اتمی سایر کشورها واقع شد، بلکه تدوین‌کنندگان کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای نیز در تدوین قواعد خاص مسئولیت مدنی اتمی به آن نظر داشتند. البته در باب مبنای مسئولیت مدنی اتمی مسکوت بوده، و احراز این موضوع را به قوانین ایالتی احاله کرده است. هم‌چنین نظر به تنوع و تفاوت قوانین از ایالتی به ایالت دیگر، چه بسا در یک ایالت، مسئولیت بهره‌بردار مبتنی بر نظریه‌ی تقصیر، و در ایالت دیگر مبتنی بر تئوری مسئولیت محض باشد. کمیسیون انرژی اتمی آمریکا در مورد «حوادث اتمی غیر عادی»^(۱۵) نظام واحدی را اعمال می‌کند^(۱۶) و مبنای مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات اتمی را مسئولیت مطلق معرفی کرده است [۲۲]. قانون پرایس-اندرسون آمریکا به طور کلی منطبق بر اصول اساسی حقوق مسئولیت اتمی مندرج در کنوانسیون‌های پاریس و وین است. زیرا به واسطه‌ی اعمال تئوری‌های قانونی مختلف، به همان نتایج عملی حاصل از اعمال اصول فوق، نایل می‌شود و این امر به منزله‌ی رد اصل کانالیزه کردن مسئولیت از ناحیه‌ی قانون مذکور نیست. در واقع مفاد کنوانسیون‌های پاریس و وین حاکی از یک سیستم کانالیزه کردن حقوقی مسئولیت است، در حالی که قانون پرایس-اندرسون در مقام معرفی یک سیستم «کانالیزه کردن اقتصادی مسئولیت»^(۱۷) است که بر

است [۱۷]. حسن این نظریه آن است که مسئولیت اشخاصی که مرتکب هیچ فعلی نشده‌اند قابل توجه است. اما از سوی دیگر، زیان‌دیده نیز گاه در اقدام یا عدم اقدامی، ذینفع است و برای تعیین مسئول در میان فعل و ترک فعل زیان‌دیده و خواننده‌ی دعوی، باید دید کدام یک نفع بیشتری برده است تا مسئول باشد. در حالی که حقوق مسئولیت مدنی پاسخی به این سؤال ندارد.

مناسب است قانونگذار ایران نیز با توجه به پیچیدگی بار اثبات دعوی در چنین حوادثی، مقرراتی را برای حمایت از اشخاص ثالث زیان‌دیده وضع کند. وضع مقررات حمایتی نیز فقط در چارچوب حمایت‌های دولتی و صنعت بیمه و مانند آن امکان‌پذیر است. با توجه به این سکوت به نظریات مطرح در حقوق تطبیقی پرداخته می‌شود.

۳. مبانی در حقوق تطبیقی

کنوانسیون‌هایی که از سوی آرژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به مسئولیت مدنی در خصوص حوادث هسته‌ای می‌پردازد، کنوانسیون وین مصوب ۲۱ می ۱۹۶۳^(۱۰) است. این کنوانسیون پس از کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰ تصویب شد و تقریباً به تکرار مقررات آن پرداخته است. با این تفاوت که قلمرو جغرافیایی این دو کنوانسیون متفاوت است و در خصوص میزان مسئولیت تحمیل شده به بهره‌بردار تأسیسات اتمی، سطح تضمین مالی مورد نیاز، تعهدات دولت در صورت عدم کفایت پوشش بیمه و انواع خساراتی که غرامت به آنها تعلق می‌گیرد یکسان نبودند. در سال ۱۹۸۸، آرژانس بین‌المللی انرژی اتمی و آرژانس اتمی سازمان همکاری توسعه‌ی اروپا، پروتکل مشترکی را برای مرتبط کردن مقررات دو کنوانسیون به یکدیگر تدوین و برای امضا و تصویب دولت‌ها گشودند. این پروتکل در سال ۱۹۹۲ م لازم‌الاجرا شد [۱۳]. هم‌چنین دولت‌ها به منظور اصلاح پاره‌ای از مقررات کنوانسیون وین، در سپتامبر ۱۹۹۷ به تصویب پروتکل اصلاح کنوانسیون وین مبادرت ورزیدند.^(۱۱)



می‌کردند که دولت در مقایسه با بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای، از منابع مالی کافی برای جبران خسارات وارد شده به قربانیان چنین حوادثی برخوردار است، اما در نهایت این مذاکرات با غلبه‌ی فرضیه‌ی مسئولیت مدنی بهره‌بردار بر مسئولیت دولت خاتمه یافت [۱۹]. فلسفه‌ی پذیرش فرضیه‌ی مزبور این بود که در اکثر موارد در کشورهای پیشرفته، فعالیت‌های صلح‌آمیز اتمی توسط اشخاص غیردولتی صورت می‌گیرد و دولت از پذیرش مسئولیت اصلی و اولیه به جبران زیان‌های وارد شده خودداری می‌کند. استدلال دولت‌های مزبور این است که پذیرش این قسم مسئولیت از ناحیه‌ی دولت منجر به اهمال و بی‌توجهی متصدیان اصلی تأسیسات اتمی در انجام فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای می‌شود و نتیجه‌ی این امر افزایش حوادث اتمی، بروز خسارت و نهایتاً تحمیل هزینه‌های هنگفت به دولت است [۲۰]. بنابراین با عنایت به موارد فوق، تدوین کنندگان کنوانسیون‌های یاد شده، بهره‌بردار را به عنوان مسئول اصلی زیان‌های هسته‌ای به رسمیت شناخته‌اند [۲۱].

۲.۳ مستندات مسئولیت بهره‌بردار

بر مبنای اصل مزبور، بهره‌بردار به طور کامل مسئول جبران عواقب مضر ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای خواهد بود، اعم از این که عواقب و خطرات واقع شده ناشی از وقوع یک حادثه‌ی هسته‌ای در تأسیسات مربوطه یا یک حادثه‌ی اتمی در جریان حمل و نقل مواد هسته‌ای به آن تأسیسات باشد. بنابراین زیان‌دیده از اثبات تقصیر معاف است و صرف اثبات رابطه‌ی علیت میان خسارت وارد شده و حادثه‌ی اتمی برای تحمیل مسئولیت به بهره‌بردار کفایت می‌کند. زیرا عملاً علم نسبت به آن چه که در تأسیسات اتمی یا در طول جریان حمل مواد هسته‌ای به وقوع پیوسته، برای مدعی غیر ممکن است. در نتیجه پذیرش اصل مسئولیت محض، حداکثر حمایت را از حقوق قربانیان چنین حوادثی، به عمل می‌آورد [۲۳]. این اصل، در مواد ۳ و ۴ کنوانسیون پاریس و ماده‌ی ۴ کنوانسیون وین^(۱۹) آمده است.

مبنای آن بهره‌بردار، کلیه‌ی آثار و نتایج اقتصادی حاصل از خسارات اتمی را متحمل می‌شود، اگرچه از لحاظ قانونی اشخاص دیگری (عرضه‌کننده‌ی کالا یا متصدی حمل) مسئول باشند [۲۳].

یکی از اصولی که در سیستم‌های سنتی مسئولیت مدنی مورد پذیرش واقع شده است اصل شخصی بودن مسئولیت است، اما تدوین‌کنندگان کنوانسیون‌های مسئولیت هسته‌ای، از اصل مزبور عدول کرده‌اند و اصل «کانالیزه کردن مسئولیت به طرف بهره‌بردار» را معیار شناسایی مسئول جبران خسارت قرار داده‌اند. چنان که کنوانسیون پاریس مقرر می‌کند: «حق جبران خسارات ناشی از حادثه‌ی اتمی فقط علیه بهره‌بردار اعمال می‌شود و به جز بهره‌بردار تأسیسات اتمی، هیچ شخص دیگری نباید مسئول جبران خسارات ناشی از حادثه‌ی هسته‌ای شناخته شود.»^(۱۸) همین مفهوم در ماده‌ی ۵ کنوانسیون وین نیز انعکاس یافته است. بر مبنای اصل یاد شده، چنان‌چه در نتیجه‌ی وقوع حادثه‌ی اتمی در تأسیسات هسته‌ای یا در طول جریان حمل مواد هسته‌ای، خساراتی اعم از مادی یا معنوی به اشخاص ثالث تحمیل شود، متصدی تأسیسات هسته‌ای منحصراً مسئول خسارات مذکور است و هیچ فرد دیگری را نمی‌توان مسئول تلقی کرد و صرف نظر از این که تقصیر، فعل یا ترک فعل دیگری سبب واقعی حادثه‌ی اتمی بوده است، بهره‌بردار قانوناً مسئول جبران خسارات خواهد بود همانطور که آمد مبنای مطرح شده در کنوانسیون‌های بین‌المللی اصولاً بهره‌بردار مسئول جبران خسارت است اما مسئولین دیگری نیز مطرح شده است.

۱.۳ مسئولیت دولت‌ها

در سال ۱۹۸۸ و در زمان تدوین پروتکل مشترک مربوط به اعمال کنوانسیون وین و کنوانسیون پاریس، بسیاری از کارشناسان و حقوق‌دانان اقدام به طرح مباحث تئوری و عملی به منظور حمایت از رژیم مسئولیت دولت کردند. این گروه با عنایت به رویداد ناگوار چرنوبیل، این گونه استدلال



۳.۳ موارد معافیت از مسئولیت

بر مبنای کنوانسیون‌های مزبور، در صورتی که حادثه‌ی اتمی موجب خسارت، مستقیماً در اثر مخاصمات مسلحانه، اقدامات خصمانه، جنگهای داخلی و شورش‌ها باشد و یا در فرضی که بلایای طبیعی غیرقابل پیش بینی در زمین به وقوع پیوسته، و منتهی به وقوع حادثه‌ی اتمی شوند، متصدی تأسیسات هسته‌ای مسئولیتی نسبت به ترمیم ضرر و زیان‌های وارده نخواهد داشت. این کنوانسیون‌ها مجاز می‌دانستند که در قانون ملی بهره‌بردار نباشد، اما حتی در مواردی که حادثه‌ی اتمی ناشی از حوادث طبیعی عظیم و غیر مترقبه است از مسئولیت معاف نباشد، اما امروزه به موجب پروتکل اصلاح کنوانسیون وین (۱۹۹۷) و پروتکل اصلاح کنوانسیون پاریس (۲۰۰۴)، حوادث و بلایای طبیعی از موارد معافیت بهره‌بردار حذف شده‌اند. زیرا چنین حوادثی منجر به محرومیت قربانیان از جبران خسارات وارد شده به آنان می‌شد [۲۳]. هم چنین کنوانسیون‌های پاریس و وین مقرر می‌کنند در فرضی که حادثه یا خسارت اتمی به طور کلی یا جزئی از فعل یا ترک فعلی که زیان‌دیده به قصد اضرار انجام داده ناشی شده باشد، دادگاه صالح می‌تواند بر مبنای قانون ملی درباره تأثیر چنین اهمال و غفلی بر دعوای جبران، تصمیم بگیرد و بهره‌بردار را به طور کلی یا جزئی از مسئولیت به ترمیم خسارت وارد شده معاف کند. لازم به ذکر است کلیه‌ی موارد معافیت بهره‌بردار، جنبه‌ی استثنائی دارد و بنابراین در فرضی که نسبت به مسئولیت بهره‌بردار تردید وجود داشته باشد، باید قاعده‌ی کلی که عبارت است از اصل مسئولیت محض بهره‌بردار به جبران خسارات ناشی از حوادث اتمی، را ملاک عمل قرار گیرد و موارد معافیت را به نحو مضیق تفسیر کرد [۲۱].

۴. انتخاب مبنا در حقوق ایران

با عنایت به سکوت مقنن ایرانی در خصوص مسئولیت بهره‌بردار در قبال اعمال خسارات هسته‌ای اعم از تأسیسات اتمی و نظر به این که در حال حاضر در ایران فعالیت‌های

صلح‌آمیز هسته‌ای در اختیار دولت است، با توسل به قواعد عام مسئولیت ناشی از اشیاء یا مسئولیت دولت در قبال افعال ارکان خود، مسئول جبران خسارات ناشی از حادثه‌ی اتمی را باید شناسایی کرد. چنانچه این نوع از آسیب‌ها ناشی از اشیاء فرض نشود دولت یا بهره‌بردار آنها از مسئولیتی خواهند گریخت که مسئول دیگری برای جبران آن وجود نخواهد داشت. مسئول بهره‌برداری این نوع از اشیاء گاهی شخص حقیقی و گاهی حقوقی مانند دولت در استفاده از انرژی هسته‌ای است.

بر اساس قوانین، اصل تمرکز مسئولیت در بهره‌بردار و مسئولیت انحصاری وی طرح نشده است و مقررات ویژه‌ی نیز در این زمینه مشاهده نمی‌شود. نظام حقوقی ایران از این نظر که تقصیر را برای مسئول شناختن عامل زیان در اتلاف شرط نمی‌داند، با کنوانسیون‌های بین‌المللی قرابت دارد [۱۳]. اما در فرضی که حادثه، ناشی از اسباب خارجی است، با در نظر گرفتن مقررات موجود نمی‌توان از مسئولیت مدنی سخن گفت. در واقع در حقوق ایران هر شخصی که حادثه‌ی هسته‌ای به طور جزئی یا کلی منتسب به وی شود، قابل تعقیب است. حال با توجه به اینکه در ایران، بهره‌برداری از تأسیسات در اختیار و انحصار دولت است و بخش خصوصی در این زمینه وارد نشده است، می‌توان تنها از مسئولیت دولت سخن گفت. بر اساس ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، چنانچه خسارت‌ها مستند به عمل کارمندان دولت و مؤسسات وابسته به آن باشد، خود کارمند مسئول است. طبیعی است که این حکم نمی‌تواند از قربانیان حوادث هسته‌ای حمایت کند و از این حیث قابل انتقاد است، چرا که خسارت‌های ناشی از حوادث هسته‌ای به حدی از نظر کمیت و کیفیت گسترده‌اند که جبران آن عموماً در توان اشخاص حقیقی نیست راهکار دیگر برای توسعه‌ی مسئولیت دولت بر اساس ماده‌ی ۱۱ پیش گفته، این است که از مفهوم نقص وسایل ادارات و یا مؤسسات یاد شده که اشیاء دولت محسوب می‌شوند تفسیر موسع شود و چنانچه حادثه ناشی از نقص تأسیسات هسته‌ای باشد، از مسئولیت دولت



شخص ثالث و یا اثبات رعایت حداکثر احتیاط و استانداردهای ایمنی به عنوان مسئول تدارک زیان‌های هسته‌ای معرفی می‌کند. دیگری، اصل مسئولیت انحصاری بهره‌بردار است که با هدایت (کانالیزه) نمودن مسئولیت به سمت بهره‌بردار، قربانیان احتمالی حوادث هسته‌ای را از پیچیدگی دشواری‌های مربوط به تشخیص خواننده‌ی دعوای غرامت، رها می‌سازد.

با توجه به فقدان نصوص خاص قانونی در ارتباط با مسئولیت مدنی هسته‌ای در نظام حقوقی ایران، مسئولیت بهره‌بردار را باید در قالب مسئولیت مدنی ناشی از فعل اشیاء بررسی کرد. با عنایت به فقدان قانون مسئولیت مدنی اتمی در ایران و ضرورت توسل به قواعد عمومی مسئولیت مدنی، در مقام بیان مسئولیت دولت که در حال حاضر به نحو انحصاری در این زمینه فعالیت دارد، باید به قانون مسئولیت مدنی جاری و لایحه‌ی در حال تصویب «مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی» توجه کرد. البته نظام حقوقی ایران از این نظر که تقصیر را برای مسئول شناختن عامل زیان در اتلاف شرط نمی‌داند، با کنوانسیون‌های بین‌المللی قرابت دارد. اما در خصوص مسئولیت بهره‌بردار به هنگام وجود عامل خارجی باید به عموم ها رجوع کرد و مسئولیتی برای بهره‌بردار متصور نبود. بنابراین برای جبران کامل زیان‌های ناشی از حوادث اتمی، پیشنهاد شد مقنن ایرانی اقدام به قانون‌گذاری کند، یا الحاق به کنوانسیون وین را مطابق نظم عمومی بپذیرد.

سخن به میان آید. لیکن این امر نیز با این اشکال روبرو است که امور هسته‌ای در ایران از موارد اعمال حاکمیت است^(۲۰) و بر اساس قسمت اخیر ماده‌ی ۱۱ پیش گفته، دولت مجبور به جبران خسارت نیست. البته با استناد به قاعده‌ی لاضرر و نیز اصول ۴۰ و ۱۷۱ قانون اساسی، می‌توان به نقد ماده‌ی ۱۱ پرداخت. اما تدبیری جدید در لایحه‌ی «مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی» که هنوز به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی نرسیده است، آمده است. به این نحو که در ماده‌ی ۱ لایحه^(۲۱)، به اصل مسئولیت همه بخش‌های حکومتی و به عبارت دیگر، مسئولیت دولت در مفهوم موسع آن توجه شده است. در این ماده، اصطلاح «مؤسسه‌ی عمومی» به همین منظور جایگزین اصطلاح «دولت» شده است که گامی به سوی طرح مسئولیت مدنی دولت است. البته پیشنهاد می‌شود با توجه به ماهیت ذاتاً خطرناک مواد رادیواکتیو و تأسیسات هسته‌ای و خسارات ناشی از این اشیاء قانون‌گذار ایرانی باید یا خود اقدام به قانون‌گذاری کند یا به کنوانسیون وین به نحو قانونی ملحق شود و مسئولیت را به سوی بهره‌بردار اعم از دولتی یا خصوصی سوق دهد.

۵. نتیجه‌گیری

اگر چه مسئولیت مدنی سنتی مبتنی بر تنوری تقصیر است ولی در مسئولیت مدنی هسته‌ای از اصل نام برده صرف نظر، اصل مسئولیت انحصاری بهره‌بردار پذیرفته شده است و مبنای مسئولیت بهره‌بردار با «مسئولیت محض یا عینی» پذیرفته شده است. بنابراین اثبات عدم تقصیر یا رعایت احتیاط‌های لازم تأثیری در مسئولیت ندارد و بهره‌بردار را حتی با اثبات تقصیر



پی‌نوشت‌ها

1. IAEA: International Agency Energy Atomic

۲. برای توضیح بیشتر رجوع شود به «حیاتی»، (۱۳۹۲)، ۲۹۷؛ لورراسا، ۱۳۷۵، ۹۳»

3. Fait personnel

4. Fait d'autrui

5. Fait des Chose

6. le principe de canalization de la responsabilite sur la tete de l'exploitant de reacteur ou de navire transportant les substances radioactives.

۷. در این نظریه، به جای تکیه بر فعل زیان‌بار، بر انتفاع به دست آمده تکیه شده، و بنابراین مسئولیت مدنی به ازای منفعتی است که شخص برده است.

8. P.C Article 1 (a)(vi): "Operator" in relation to a nuclear installation means the person designated or recognized by the competent public authority as the operator of that installation.

۹. قانون شماره‌ی ۹۵۵-۶۵۱۲ نوامبر (۱۹۵۵) و قانون ۹۵۶-۶۵۱۲ نوامبر (۱۹۶۵).

10. Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage (1963).

11. Protocol to Amend the (1963) Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage (1977).

12. The Convention Relating to Civil Liability in the Field of Maritime Carriage of Nuclear Material (1972).

13. The Convention on the Liability of Operators of Nuclear Ships (1962).

14. Price-Anderson

15. Extraordinary Nuclear Occurrence

۱۶. بر اساس کمیسیون انرژی اتمی آمریکا، منظور از حادثه‌ی اتمی غیر عادی، حادثه‌ای است که انتشار مواد رادیواکتیو بسیار زیاد و سطح آلودگی نیز بیشتر از حد معمول بوده است. چنان‌که حادثه‌ی اتمی از نوع حوادث غیر عادی باشد بر مبنای توافق متحدالشکلی که میان کنوانسیون انرژی اتمی و بهره‌برداران وجود دارد مبلغ بیشتری به جبران خسارت اختصاص می‌یابد.

17. Economic channeling of liability

18. P.C Article ۶(a): " The right to compensation for damage caused by a nuclear incident may be exercised only against an operator liable for the damage in accordance with this Convention..."

19. V.C Article IV(۱) : " The liability of the operator for nuclear damage under this Convention shall be absolute."

۲۰. بند الف ماده ۶۴ قانون برنامه سوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که انجام فعالیت‌های هسته‌ای را از مصادیق اعمال حاکمیت معرفی کرده بود. در حال حاضر برنامه ششم در کشور اجرایی می‌باشد.

۲۱. کلیه وزارتخانه‌ها، سازمانها، مؤسسات و شرکتهای دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نیروهای مسلح و قوه‌ی قضاییه، کلیه‌ی دستگاه‌ها، شرکت‌ها و نهادهایی که به نحوی از انحاء از بودجه‌ی عمومی استفاده می‌کنند و کلیه‌ی دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و در این قانون «مؤسسات عمومی» خوانده می‌شوند، مسئول جبران خسارت مادی، معنوی و بدنی هستند که مستخدمان و کارکنان آنها در نتیجه‌ی بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت یا عدم رعایت غیرعمدی قوانین، مقررات یا نظامات مربوط، در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن به اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی وارد می‌آورند».



مراجع

1. Mazeaud, Leçons de Droit Civil. Obligations, 6é.éd, T2, Paris, Monntchrestien, (1978) P. 593.
2. Viney, Traité de Droit Civil. Introduction a la responsabilité, 2é.éd, Paris, librairie générale de droit et de jurisprudence, (1995) P. 30.
3. Canin Patrick, droit civil, Les Obligations, 3ed, Hachette superieur, (2007) p. 96.
۴. ع.ر. یزدانیان، حقوق مدنی، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، ج ۲، چ ۱، نشر میزان: تهران، (۱۳۹۵).
5. Jourdain. Patrice. Les principes de la responsabilité civile. 7e éd. Paris. Dalloz (2007).
۶. ح. رهپیک، حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، انتشارات خرسندی، چاپ سوم (۱۳۹۵).
7. TUNC A., La sécurité routière: esquisse d'une loi sur les accidents de la circulation, Paris, Dalloz, (1966).
۸. ع.ر. یزدانیان، حقوق مسئولیت مدنی قلمرو مسئولیت مدنی، نشر ادبستان، ۷۶ (۱۳۷۹).
۹. س.م. قاسم‌زاده، مبانی مسئولیت مدنی، نشر میزان چاپ پنجم ۳۳۰، (۱۳۸۷).
۱۰. ا.د. نظری، مسئولیت مدنی مالک، تهران: جنگل جاودانه ۸۴ (۱۳۸۹).
11. Viney et Jourdain, Traité de Droit Civil. Les Conditions de la responsabilité, 2é. Ed, Paris, librairie générale de droit et de jurisprudences (1998).
۱۲. ع.ر. یزدانیان، قاعده تعیین مسئول جبران خسارت بر مبنای بار مجله حقوقی دادگستری، سال هشتم، شماره نود و چهارم، ۲۶۱، تابستان (۱۳۹۵).
۱۳. س.م.م. قبولی درافشان، و. رضادوست، مطالعه‌ی تطبیقی تعیین مسئول و مبنای جبران خسارت در مسئولیت مدنی ناشی از حوادث مربوط به تأسیسات هسته‌ای در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین‌المللی، مطالعات حقوق تطبیقی ۲، شماره‌ی ۶ دوره‌ی، ص. ۵۲۷ تا ۵۷۷، پاییز و زمستان (۱۳۹۴).
۱۴. ش.م. انصاری، رسائل فقهیه، چ ۴، قم: المؤتمر العالمی بمناسبه الذکری المئوی الثانی لمیلاد الشیخ الأنصاری ۱۱۶ (۴۱۴۱ ق).
۱۵. س.ع. حسینی سیستانی، قاعده‌ی لاضرر و لاضرار، قم: مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی (۴۱۴۱ ق).
16. Leduc, Fabrice, La Spécificité de la Responsabilité Contractuelle du Fait des Choses, Recueil Dalloz, (1996) p. 164.
۱۷. ح. جعفری تبار، مسئولیت مدنی کالاها، انتشارات دادگستر، ۸۷ (۱۳۸۹).



18. Thomas Gehring, Markus JachTenfuch, Liability for Transboundary Environmental Damage Towards a General Liability Regime, *European Journal of International Law*, No.۴ (1993) P. 100.

19. Vanda Lamm, The Protocol Amending the Vienna Convention, *Journal of Nuclear Law Bulletin*. No. 61 (1998) P. 10.

20. Louise Fayette, Towards a New Regime of State Responsibility for Nuclear Activities, *Journal of Nuclear Law Bulletin*, No. 50 (1992) P. 10.

۲۱. ع.ر. یزدانیان، هم‌حبیبیان، مسئول جبران خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای در کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق ایران، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز دوره ۶ شماره ۲، ۱۵۵، تابستان (۱۳۹۳).

۲۲. ف.ا. جعفری، حوادث اتمی و اصول مسئولیت مدنی، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال هفتم، شماره ۱۳، ۱۳۰ (۱۳۸۷).

[23] Julia A. Schwartz, International Nuclear Third Party Liability Law: The Response to Chernobyl, *Journal of International Nuclear Law in the post-Chernobyl Period*, No. 1 (2006) P. 3.